روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه ۳ مهر ۱۳۹۵ ■ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ ■ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۹۸۷ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۷ سال و ۲۷۹ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1987 ■ Sat.Sep.24, 2016 ■ ISSN:2008-2886

بر اساس گزارش بانک مرکزی درباره اقتصاد خانوار در سال ۹۴

یک‌چهارم خانوارها هیچ فرد شاغلی ندارند

صفحه ۳

سخت‌گیری در طرح جدید تسهیلات اعتباری ادامه دارد

سرگردانی مردم در فاز جدید کارت اعتباری!

صفحه ۳

۸ ماه پس از آغاز اجرای برجام، حسن روحانی در سازمان ملل از آمریکا به خاطر عمل نکردن به تعهداتش ممانعت از تجارت بین‌المللی با ایران، عدم شفافیت در مسأله بانک‌ها و مصادره اموال بانک مرکزی انتقاد کرد

گلایه‌های نیویورکی

صفحه ۲

عکس: مونا هویه‌فکر/ ایسنا

یادداشت امروز

این صندلی‌ها مهم نیستند...

■ حسین علوی ■

۱- اگر اصلاح‌طلبان، خرد و درشت، ماجرای سخیف صندلی‌های صحن عمومی سازمان ملل را در موعد حضور رئیس‌جمهور سابق در سازمان ملل مطرح کردند، این دلیل نمی‌شود تا اکنون ما در زمانی که دولت آنها دچار این بلیه شده، همان مسیر را در پیش بگیریم. ما معتقدیم وضعیت صندلی‌های صحن عمومی سازمان ملل، شاخصی برای نشان دادن میزان عزت یا ذلت، نفوذ یا انزوای دولت‌ها در محافل بین‌المللی نیست. سیاست یک عرصه واقعی با گزاره‌های واقعی است و اساسا با دنیای لایک‌ها متفاوت است. ما عملکرد آقای روحانی در استفاده از فرصت حضور در سازمان ملل را در ماهیت نطق او در مقر عمومی، دیدارهای او با نمایندگان دیگر کشورها و میزان آورده‌های او در این دیدارها می‌سنجیم، نه با پیش کشیدن مباحث سخیف و ادباری مانند صندلی‌های خالی.

۲- صندلی‌های خالی صحن عمومی سازمان ملل در زمان سخنرانی آقای روحانی البته یک فرصت مغتنم و میمون است برای طرح این سوال: چرا سیاست در ایران دچار این بلیه‌های سخیف شده است؟ زمانش را همه می‌دانیم. ماجرای سخیف «صندلی‌های خالی» نخستین بار توسط کدام طیف سیاسی و رسانه‌های آن مطرح شد؟ چه کسانی صندلی‌های خالی صحن عمومی سازمان ملل را نشانه و مترادف بی‌کلاسی و انزوای دولت و رئیس‌جمهور وقت ایران در مجامع جهانی می‌دانستند؟ حالا همان‌ها در قبال صندلی‌های خالی صحن عمومی سازمان ملل در هنگام سخنرانی آقای روحانی چه پاسخی دارند؟ آیا اکنون نیز این صندلی‌های خالی نشان‌دهنده بی‌کلاسی دولت روحانی و انزوای این دولت در محافل بین‌المللی است؟

۳- سیاست «استحمار طرفداران» یکی از ساده‌ترین شیوه‌ها برای سوار شدن بر گرده توده طرفدار است. طرفداران هرچه بیشتر نفهمند، برای سواری مستعدترند. برای این کار تنها کافی است تربیت سیاسی آنها مبتنی بر برخی مبانی سطحی و سخیف باشد تا در زمان لازم برای باوراندن مطالبات سیاسی خود به این توده‌های طرفدار، نیازی به ادله محکم نباشد. نمونه بارز این سوءاستفاده سیاسی در جریان فتنه ۸۸ و به خیابان آمدن جماعتی که «نمی‌دانستند چه شده است» دیده شد. اصلاح‌طلبان میوه تربیت یک توده طرفدار سطحی طی سال‌های ۸۴ تا ۸۸ را در فتنه ۸۸ و آشوب‌های خیابانی چیدند. در بررسی‌های مربوط به فتنه ۸۸، این موضوع یعنی تربیت سخیف و سطحی سیاسی یک توده خیابانی طرفدار به عنوان یک عامل کلیدی در وقوع فتنه مطرح است. توده‌ای که به صورت ناگهانی وارد سیاست شده و به صورت اورژانسی تربیت شدند تا در خیابان امتحان خود را پس دهند. توده‌ای که آموزش آنها با مطالبی مثل همین «صندلی‌های خالی» شروع شد و فردای انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ با شعار «پاقدم روحانی/ رفتیم جام‌جهانی» استعداد شگرف‌شان را در دریافت دقیق دوره‌های آموزشی خود به منصه ظهور گذاشتند.

۴- اصلاح‌طلبان به جای آنکه به فکر چاره‌ای برای این توده خطرناک باشند، حالا به مرور خود نیز در حال تبدیل شدن به این جماعت هستند. شاید این جماعت بی‌اطلاع و سطحی حالا دارای چنان قدرتی شده‌اند که جریان اصلاحات ناگزیر از فرمانبری آنها شده است. فرزندان رام کلاس «ندانستن سهم مردم است» حالا شاید تبدیل به اژدهایی هفت سر شده‌اند که اگر غذای‌شان دیر شود، ممکن است اولیای خود را ببلعند! تیترهای «غیرواقعی» و «تخیلی» و همچنین برخی اظهارات و استدلال‌های شگفت‌انگیز لیدرهای اصلاحات شاهدی بر این بلیه است. بلیه‌ای که حالا هزینه‌اش را دولت حسن روحانی باید بدهد. شکل‌گیری دولت روحانی البته مدیون این بی‌کلاس‌های مدعی اصلاح‌طلبی است اما ماه عسل آقای روحانی با این جماعت مدت‌هاست به پایان رسیده است. با توجه به مختصات ذهنی و رفتاری این جماعت، اگر چاره‌ای برای درمان آنها نشود، قطعا دردسرهای بزرگی برای آقایان در راه است.

بی‌تو توان نوشتن «بابا» نداریم

■ حسین قدیانی ■

دل‌نوشت

به مدرسه می‌روی امروز تا یاد بگیری «بابا» چند بخش دارد! همان بابایی که دوست داشت تا دم در مدرسه، دست تو را بگیرد و کلی در راه برایت خوراکی بخرد! وای که چقدر نقشه‌های خوب کشیده بود برای اولین روز مدرسه رفتن تو! اما دشمن هم بیکار نبود! او هم نقشه کشیده بود! نقشه‌های شوم! نقشه‌های وحشی! جوری باشد که تو اصلا نتوانی مدرسه بروی! مثل خیلی از طفل‌معصوم‌های شام! مثل خیلی از بچه‌هایی که یونیسف دارد سرشان کلاه می‌گذارد! مثل خیلی از بچه‌هایی که اعضای پیکر سازمان ملل محسوب نمی‌شوند! آهای بچه‌ها! دشمن نقشه کشیده بود نامن باشد وطن من! و وطن تو! و وطن بابا! همان بابایی که با آن همه نقشه برای اولین روز مدرسه رفتن تو، اسلحه دستش گرفت و رفت به جنگ دشمن! و شهید شد! همین چند ماه پیش! در حلب! در خان‌طومان! در حومه عشق! حاشیه شهر دمشق! می‌دانی عزیزم! اینها نام هیچ کدام از شهرهای ایران ما نیست اما هیچ کدام از شهرهای ایران ما امنیت نداشت، اگر بابای تو، دشمن را در همان بیرون مرزها متوقف نمی‌کرد! آهای سمیه! سحر! سارا! آهای تمام دخترهای بابا! آهای تمام گل‌پسرهای شهید مدافع حرم! اگر خانم معلم از شغل پدرتان پرسید، فریاد بزنید شرف! و مردانگی! و ایثار! و خوب بدانید که پدر، عاشق شما بود! عکس‌هایش هست! دیوانه‌بازی‌هایش هست! و اینکه برای شما صورتش را جوری کند تا در عکس، بیشتر بخندید! یادتان هست روز خداحافظی، چند بار شما را در آغوش گرفت؟! و چند بار دور خانه چرخید؟! اما خب! گفتم که! یک نقشه را پدر کشیده بود برای امروز شما، لیکن یک نقشه را هم دشمن کشیده بود برای فردای همه ما! و همین بود که سبب شد پدر قادر باشد با شما خداحافظی کند! با بچه‌هایش! و برود مدرسه! مدرسه وفا! مدرسه مهر! مدرسه عشق! مدرسه عطش! مدرسه علمدار! مدرسه از خود گذشتن و به خدا رسیدن! مدرسه خود را ندیدن! مدرسه جنگ در بیرون مرزها که اصلا پای دشمن خاک پاک وطن را آلوده نکند! مدرسه جنگ! مدرسه صلح! و مگر جز این است که این صلح و صفا و امن و امان ما، دارد نان جنگ بابای شما را می‌خورد؟! بابایی که تعصب داشت روی امنیت ایران! و ایرانی! همان بابای بی‌ادعا! همان شاگرد مدرسه حضرت سقا! همان شیرمردی که از جانش و از تو کودک عزیزتر از جانش گذشت، حتی برای امنیت جماعتی که پیش چشم اشک‌های نیمه‌شبت، مایه از نتایج توافق با کدخدا می‌گذارند! که اگر ال نبود، بل می‌شد! تحمل داغ یتیمی با تو، منت امنیت بر سر ما با برجام! نمی‌فهمند بچه‌ها خب! معرفت ندارند! حتی اندکی حیا ندارند! خصوصیت بارز شاگردان مدرسه کدخدا همین است! که شب‌ها قطرات اشک، میهمان چشم شما باشد و چشم مادر، اما یکی دیگر منت امنیت بر سر ما بگذارد! آهای مدرسه‌اولی‌ها! این چند خط را نوشتم تا بگویم ما عاشق عشاق خدا هستیم! و شیدای شهدای شما! و مجنون پدران شما! فقط اینکه بیشتر به آسمان نگاه کنید! آخر، یکی آن بالاها هست که مرتب دارد شما را نگاه می‌کند! و برای‌تان دعا می‌کند! و برای‌تان دست تکان می‌دهد! و برای‌تان دیوانه‌بازی درمی‌آورد تا باز هم بخندید! آه! قربان آن آه بلندتان هنگام نوشتن «بابا»! خوب کلمه‌ای است! یاد بگیرید! آهای بچه‌ها! یک خبر خوش! دیر یا زود، تمام می‌شود این دنیا! و شما باز هم بابا را خواهید دید! با همان لباس خداحافظی! آن روز، بیش از پیش خواهید فهمید که نه اتفاقا! «بابا» ۲ بخش ندارد! به این پیکر صد برگ نگاه نکنید! همه بخش بابا یعنی خدا! و یعنی خدایا! حالا که دارم می‌روم به جنگ دشمن، فرزندم را تو مراقب باش!

الا ای تنها آموزگار هستی! وارث آدم! تسلای نوح! گلستان ابراهیم! عصای موسی! ید بیضای عیسی! و قرآن محمد! زمانه تو را می‌خواهد! و تو را می‌خواند! صاحبش را! جمله آدمیان را، پدر هستی و رخ نمی‌نمایی؟! برگو مرا که عاقبت، کی «روز اول مهر» فرامی‌رسد؟! داستان آدم را از نو باید نوشت! از روز آمدن تو! از روز اول مهر! آمدن تو، آدم را به بهشت برمی‌گرداند! و ما را به مدرسه! برای بشریت، تو باید معلمی کنی! چنگی به دل نمی‌زند این سرمشق‌های غیبت! بی‌تو، توان نوشتن «بابا» نداریم! و تاب زندگی هم! توهم باطلی بود اینکه فکر می‌کردیم بی‌وجود صاحب‌الزمان، روزی هم به نام «اول مهر» هست! دور خواهیم انداخت این سررسیدهای لعنتی را! آقاجان! تسلیم....

خائن ذخرالاسلام نمی‌شود ولو سیف‌الاسلام باشد!

■ رضا مشتاقی ■

نگاه امروز

۱- یکی از ارکان اصلی مشروعیت در جمهوری اسلامی این عقیده است که در عصر غیبت امام معصوم(عج)، فقیه جامع‌الشرایط به نصب عام از سوی امام به ولایت امت منصوب شده است. این باور نتایجی را در پی دارد که از جمله آنها، این موضوع است که ولایت و اختیارات فقیه جامع‌الشرایط نه ذاتی و اصلی، بلکه به واسطه نصب امام و فرع بر ولایت امام معصوم است و ولی‌فقیه در چارچوب اوامر و نواهی معصوم عمل خواهد کرد. نظام جمهوری اسلامی، از عالی‌ترین مقامات تا مدیران و مسؤولان عادی آن، باید در انطباق با تعالیم و دستورات شارع مقدس و معصومین(ع) باشند و هر لحظه خود را در معرض سنجش با این ملاک و معیارها بدانند. اساسی‌ترین و بیشترین این ملاک‌ها برای حکمرانی، در کلام و مکتوبات امیرمومنان علی بن ابیطالب(ع) که فرصت حکومت و عزل و نصب حکام و ارشاد مامورا و منصوبان حکومت را داشته‌اند قابل مشاهده است. حکومت امیرالمومنین(ع) تا ظهور حضرت حجت(عج) برای هر مسلمانی که قصد برپایی حکومت اسلامی داشته باشد حکومت شاخص خواهد بود. رهبر حکیم انقلاب نیز در دیدارهای سالانه خود با هیات دولت همواره یک جلد نهج‌البلاغه به همراه دارند و سخن خود با دولتمردان را با شرح بخش‌هایی از نهج‌البلاغه آغاز می‌کنند و شاخص‌های لازم برای دولتمردان را در کلام حضرت امیر می‌جویند. در دیدار اخیر رهبری با مردم در عید غدیر نیز رهبری بار دیگر با ارجاع به ویژگی‌های حکومت علوی، آنها را از جمله شاخص‌هایی دانستند که باید دولت در پی انطباق با آنها باشد.

۲- شاخص‌های حکومت علوی، برای یک حکومت غیردینی نیز راهگشا خواهد بود. دستورالعمل‌های ویژه حکومتداری امیرالمومنین را از قدیمی‌ترین رهیافت‌های «حکمرانی خوب» می‌دانند که امروز نیز در طرح‌ریزی سیاست‌ها و اصول حکمرانی قابل استفاده است. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که رهنمودهای امیرالمومنین(ع) برای حکومتداری، از سوی کسانی که اعتقادی به آن حضرت به عنوان امام مسلمین نداشتند و حتی از سوی دشمنان ایشان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید آمده است: «عمروعاص پس از غلبه بر محمد بن ابی‌بکر، همه بخشنامه‌های امام را که به مصر فرستاده و نزد محمد بود جمع‌آوری کرده و به معاویه فرستاد. معاویه از دانش و حکمت نهفته در این نامه‌ها شگفت زده شد و آنها را نزد خودش نگاه داشته و به آنها رجوع می‌کرد. این نامه‌ها در خزائن بنی‌امیه بود تا اینکه عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید و آشکار کرد این مکتوبات از احادیث علی‌بن‌ابیطالب (ع) است.» اما امروز وضعیت دولت – به معنای عام آن – و دولتمردان جمهوری اسلامی در مقایسه با ملاک‌های حکمرانی امیرالمومنین چگونه است؟

۳- شمردن و شرح ملاک‌های حکمرانی امیرالمومنین، در وسع کتاب‌ها و کتابخانه‌هاست و در بضاعت ناچیز این سطور و نگارنده‌شان نیست اما از باب یادآوری، برخی از شاخص‌ترین این شاخص‌ها را می‌توان بازخوانی کرد. در حکومت علی(ع) زندگی حکمران باید هم‌سطح فقیرترین مردم باشد. این همانندی، فقر فقیر را از بین نخواهد برد ولی شکیبایی بر این فقر را ساده‌تر خواهد کرد. علی(ع) روا نمی‌داند امیرالمومنین بخوانندش حال آنکه در سختی‌های مردم شریک نیست. یادآوری درآمد و محل سکونت و خودروی بعض مسؤولان امروز تکرار مکررات است. شاید مجمل‌ترین و در عین حال گویاترین گزاره‌ای که در این باره گفته شده، خبری است که چند روز پیش در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر «سفر یکی از نماینده‌های تهران به جنوب تهران». امروز چند نفر از مسؤولان چنان زندگی می‌کنند که از سرکشی‌شان به جنوب شهر بتوان به «سفر» تعبیر کرد؟

در حکومت علی(ع) دنیاخواهی و مال‌اندوزی مشروع و حلال هم بر مسؤولان حرام است. شریح قاضی بازخواست می‌شود از خانه‌ای که خریده، فارغ از اینکه با حلال چنین کرده یا با حرام: «به من گزارش داده‌اند که به ۸۰ دینار خانه‌ای خریده‌ای، برایش سندی تنظیم کرده‌ای و شاهدانی گرفته‌ای... ای شریح! بدان که در آینده‌ای بس نزدیک کسی به سراغت می‌آید که به سندت نمی‌نگرد و از دلیل و شاهدانت نمی‌پرسد؛ تو را بهت‌زده از آن خانه بیرون می‌کشد و تنها به خانه گور می‌سپارد». قضایای اخیر فیش‌های نجومی را به خاطر بیاورید. اولین واکنش‌ها – بعد از بی‌نتیجه بودن تکذیب البته – این بود که قانونی است. قانون به ما اجازه داده است در زمانه‌ای که مردمان‌مان بیشترین فشار اقتصادی سالیان اخیر را تحمل می‌کنند، بیشترین حقوق‌های دولتی تاریخ ایران را دریافت کنیم. در حکومت علی(ع) حاکم باید از آنچه زیر دستش در گذر است باخبر باشد. به عثمان بن حنیف می‌نویسد: «ای پسر حنیف، به من خبر رسیده که مردی از جوانان اهل بصره تو را به میهمانی خوانده و تو هم به آن میهمانی شتافته‌ای...» تنها تقصیر پسر حنیف، یار باوفای علی(ع)، میهمان ثروتمندان بصره شدن است و علی نه تنها از آن با خبر می‌شود که بازخواست می‌کند از حاکمش که «چرا میهمان شده‌ای به سفره قومی که محتاج‌شان را به جفا می‌رانند و توانگرشان را به میهمانی می‌خوانند...». باز هم یاد نجومی‌ها می‌افتیم، نه؟ ادعای بی‌خبری از غارت بیت‌المالی که به امانت در دست ما است.

حاکم که علی(ع) باشد، سوابق متخلف پناهی از مجازات برایش نخواهد بود. خائن را تبدیل به ذخرالاسلام نخواهد کرد ولو سیف‌الاسلام باشد. علی(ع) برای کار شخصی‌اش شمع بیت‌المال خاموش می‌کرد و امروز تریبون‌های مجلس هم دِینی به امور شخصی و خانوادگی اشراف مملکت دارند که باید بپردازند. علی ملاحظه قوم و خویشی ندارد. در اجرای عدالت اهل به تعویق انداختن نیست. سریع عمل می‌کند و آنچه کرده را با مردم در میان می‌گذارد.

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

بازگشت همه به‌سوی اوست

همکار گرامی جناب آقای محمدمهدی تقوی

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم

وطن‌امروز